

دولت آمریکا وقتی از حمایت جمهوری اسلامی و سوریه از تروریسم صحبت می کند، در و هله اول، اشاره بر همکاری این دو دولت در لبنان و در کمک رسانی و تسلیح و تقویت نیروهای مثل حزب الله در لبنان، جهاد اسلامی و حماس و غیره در فلسطین است. علاوه بر آن بر کسی پوشیده نیست که اکثر جریانات بنیادگرای اسلامی هنوز در وجود حکومت اسلامی در تهران یک حامی و متحد استراتژیک و یک الگو برای خود می بینند.

فشار آمریکا برای خروج نیروهای سوری از لبنان، بخصوص بعد از ترور نخست وزیر سابق این کشور رفیق حریری که مخالف ادامه اشغال این کشور توسط سوریه بود، و هم صدائی کامل اروپا بویژه فرانسه با آمریکا در این مورد، در عین وادار کردن سوریه به عقب نشینی از لبنان، هم چنین تلاشی برای پایان دادن به نفوذ جمهوری اسلامی در لبنان و سرآغازی برای خلع سلاح شبه نظامیان حزب الله در این کشور است که از طرف جمهوری اسلامی تسلیح و پشتیبانی می شوند و زیر چتر ارتش سوریه آزادی عمل کامل دارند.

با تحقق خروج سوریه از لبنان، خلع سلاح حزب الله و ایجاد محدودیت های بیشتر در کمک به نیروهای بنیادگرای فلسطینی، و همزمانی آن با تغییرات قابل قبول برای آمریکا و اسرائیل در رهبری جنبش فلسطین، چشم انداز صلح بین اعراب و اسرائیل افزایش می یابد و همزمان سوریه در جهان عرب تنها و منزوی تر شده و پذیرش صلح با شرائط دیکته شده اسرائیل محتمل تر می گردد.

اما خروج سوریه از لبنان، خلع سلاح حزب الله و قطع کمک به نیروهای بنیاد گرای اسلامی در فلسطین، یک وجه از سیاست دولت امریکا در قبال جمهوری اسلامی و دولت سوریه است. مشکل مهم و دیگر آمریکا، ادامه و گسترش ترور و خشونت در عراق است. آمریکا فکر می کند که سوریه مرزهایش را به روی «تروریست» ها باز گذاشته است و جمهوری اسلامی با تقویت جریانات رادیکال شیعی به دنبال کسب نفوذ در تحولات این کشور است.

برنامه اتمی جمهوری اسلامی

حلقه اصلی در استدلال دولت امریکا در برخورد با جمهوری اسلامی، برنامه اتمی آن است. دولت بوش می گوید جمهوری اسلامی در زیر پوشش برنامه استفاده صلح آمیز هسته ای در صدد ساختن بمب اتمی است و

آمریکا با توسل به هر وسیله ای اجازه این کار را به این حکومت نخواهد داد. در این که جمهوری اسلامی نباید به بمب اتمی دسترسی پیدا کند، آمریکا تنها نیست. اروپا نیز با او همراه است. خود جمهوری اسلامی هم در ظاهر امر چنین ادعائی را ندارد. اما کش و قوس های دو سه ساله اخیر حکومت با آژانس بین المللی انرژی اتمی و عدم شفافیت در ارائه گزارش فعالیت های هسته ای به این آژانس، تردیدی در هدف رسیدن به بمب اتمی برای بسیاری از ناظران بین المللی از جمله کشورهای اروپائی باقی نگذاشته است. برای جلوگیری از این امر هم هست که مذاکرات سه دولت آلمان، انگلیس و فرانسه با ایران برای رعایت مفاد مقاله نامه های بین المللی در استفاده از انرژی اتمی و دست کشیدن از غنی سازی اورانیوم شروع شده است و علیرغم عقب نشینی های مقطعی حکومت اسلامی از قرارهای خود با اروپا هم چنان ادامه دارد. جمهوری اسلامی اصرار دارد که تعهد او برای توقف غنی سازی اورانیوم موقتی بوده است و اروپا از توافق با نمایندگان حکومت توقف دائمی آن را مد نظر داشته و دارد. دول اروپائی حتی امکان تامین نیازهای تاسیسات اتمی ایران برای اورانیوم غنی شده را در صورت استفاده ایران از انرژی اتمی مطرح نموده اند، اما حکومت اسلامی بر ادامه برنامه های خود تاکید می کند.

واقعیت این است که مساله در اساس نه بر سر استفاده یا عدم استفاده از انرژی اتمی، بلکه تلاش برای جلوگیری از امکان استفاده از بمب اتمی توسط حکومتی مثل جمهوری اسلامی است که برای پیش برد اهداف سیاسی اش استفاده از هر وسیله ای را مجاز می داند و اقدامات و مناسبات آن برای هیچ کس قابل پیش بینی و محاسبه نیست و به کسی هم در عمل پاسخگو نیست. تسلیح چنین حکومتی به سلاح کشتار جمعی مثل بمب اتمی، تهدیدی علیه همه و در وهله اول خود مردم کشور ماست و به درستی جامعه بین المللی از گسترش سلاح های هسته ای عموماً و دسترسی به آن توسط دولتی مثل جمهوری اسلامی خصوصاً نگران است. از این رو مساله در مورد ایران، نه استفاده از انرژی اتمی و حتی تحقیقات پیشرفته اتمی، بلکه حکومتی است که اعتمادی به آن در استفاده صلح آمیز از این تحقیقات در میان نیست.

تشکیلات انرژی اتمی ایران، بسیار پیش از آن که حکومت اسلامی به قدرت برسد، بنیان گذاشته شده است. تاکنون نیز میلیارد ها دلار خرج ادامه کار در این عرصه شده است. این که آیا این تحقیقات لازم بوده یا نه، قبل از هر چیزی نیازمند امکان تصمیم گیری آزاد ملی در این مورد است. اما آن چه که جمهوری اسلامی با استفاده از بازار سیاه تکنولوژی اتمی در صدد سرهم بندی نمودن آن است، مثل همه اقدامات این حکومت، ربطی به استفاده صلح آمیز و اراده مردم این مرز و بوم ندارد. ما نیز هم صدا با جامعه جهانی و تمامی نیروهای ترقیخواه و صلحدوست جهان معتقدیم که حکومت اسلامی نباید به بمب اتمی مسلح شود و یا امکان دسترسی به آن را داشته باشد. اما جامعه جهانی نه آمریکاست و نه رئیس جمهور آمریکا سخنگوی این جامعه است. نهاد های بین المللی موجود حق و امکان آن را دارند که در چهارچوب قوانین بین المللی و در هماهنگی با نیروهای بشر دوست و آزادیخواه مخالف سیاست اتمی حکومت در ایران، جلو باند قدرت طلب حکومت را در این عرصه سد کنند.

اپوزیسیون و دولت بوش

تاکید دولت آمریکا بر برنامه اتمی جمهوری اسلامی و تبدیل آن به یک مساله بین المللی، در واقع امر از وزن دیگر وجوه حضور این حکومت، بخصوص سیاست های عملی آن، از لغو حق حاکمیت مردم تا نقض گسترده و روزمره حقوق اولیه و انسانی شهروندان کشور، می کاهد. هر چند بوش در کنار تهدیدات خود به حکومت اسلامی توصیه می کند که به خواست مردم احترام بگذارد، اما لحن و محتوای سیاست آمریکا با تمرکز بر مساله برنامه اتمی جمهوری اسلامی عملاً مسائل دیگر در رابطه با این حکومت را تحت الشعاع خود قرار می دهد. به گونه ای که در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل هم بر سر محکومیت نقض حقوق بشر در ایران کشور های اروپائی دست به معامله زده، از محکومیت نقض حقوق بشر در ایران که بر هیچ کس پوشیده نیست، خودداری می کنند تا مگر در مذاکرات بر سر برنامه های اتمی با آن به توافق برسند.

تمرکز روی برنامه های اتمی حکومت اسلامی، برای دولت آمریکا این حسن را دارد، که بسیج نظامی و توسل به راه حل هایی از این قبیل را

زمین لرزه در زرنند کرمان



روز چهارم اسفند ماه در ساعت ۵ و ۵۵ دقیقه بامداد به وقت محلی زمین لرزه ای به شدت ۳٫۶ درجه در مقیاس ریشتر در نزدیکی شهر زرنند، استان کرمان، روی داد. در این زلزله بخش مهمی از روستاهای اطراف شهرستان زرنند و بویژه روستاهای بخش چترود بیشترین خسارات را متحمل شده اند. شهرستان زرنند در شمال غرب شهر کرمان واقع است و جمعیت آن به حدود سی هزار نفر می رسد. بر اساس گزارشها از مناطق زلزله زده کرمان شمار کشته شدگان به حدود هفتصد و نود تن و مجروحان - سرپایی و بستری - به بیش از هزار و چهارصد تن بالغ می شود.

بر طبق اخبار نیز روز پنجشنبه ۶ اسفند ماه شمار زیادی از مردم زلزله زده شهرستان زرنند و روستاهای اطراف در اعتراض به عدم رسیدگی مسئولان رژیم به نیازهای ابتدایی خود از جمله چادر جهت سکونت موقت در مقابل فرمانداری، شهرداری و هلال احمر شهرستان زرنند تجمع نموده اند.

در حالیکه مسئولان رژیم اعلام کرده اند ۱۵ هزار چادر در میان مردم منطقه توزیع کرده اند بسیاری از مردم زلزله زده از دریافت چادر محروم هستند. فرمانداری شهرستان زرنند واگذاری چادر را منوط به بازدید خانه به خانه از منازل زلزله زده کرده است.

ما با ابراز تأسف و تأثر از این فاجعه طبیعی و اعلام همدردی با بازماندگان قربانیان زلزله و مردم مصیبت دیده، تأکید می کنیم که مسئولیت رسیدگی و سازماندهی امداد به زلزله زدگان وظیفه قانونی و عرفی دولت است که این بار نیز در انجام آن کوتاهی کرده است.

از هر تهدیدی بترسد و به دنبال معامله با دولت های دیگر برای حفظ خود برآید. اپوزیسیون دمکرات، ترقیخواه اکنون باید اعلام کند که مخالف دست یافتن حکومت اسلامی به بمب اتمی و مخالف هر گونه حمله نظامی به کشور به بهانه پیشگیری از این امر است. مخالف تصمیم هر دولت خارجی برای تصمیم گیری به جای مردم ایران و دادن نسخه تغییر رژیم از خارج و تدارک برای آن است. تغییر حکومت در ایران به دست خود مردم ایران صورت می گیرد. این روند در جامعه ما در حال شکل گیری است و فشار به حکومت برای به رسمیت شناختن رای و حق حاکمیت مردم طی یک دهه گذشته افزایش یافته و در هیات جنبش های مدنی و سیاسی جاری به یک نیروی اجتماعی برای تحول سیاسی و اجتماعی تبدیل شده است و هر گونه مداخله از بیرون ادامه این پروسه را متوقف خواهد ساخت و بار دیگر کشور ما را از تحول دمکراتیک محروم نموده، گروهبندی های قدرت طلب دیگری را جایگزین دارودسته های حاکم خواهد کرد.

خواست اپوزیسیون از افکار عمومی، مجامع بین المللی و دولت های پای بند به میثاق های بین المللی آن است که با حمایت قاطع از خواست مردم ایران در برخورداری از آزادی و حقوق اولیه مصرح در بیانیه حقوق بشر سازمان ملل و دیگر ملحقات آن، از طریق مجامع بین المللی حکومت اسلامی را مکلف به رعایت این موازین نموده، نمایندگان اپوزیسیون و فعالین نهادهای مدنی در ایران را در این مجامع پذیرفته و اقدامات آنان برای گذار به دمکراسی و بنیان یک جامعه آزاد و حکومت منکی بر آراء جمهور مردم ایران را مورد پشتیبانی قرار دهند.

دولت آمریکا باید از تجربه عراق درس لازم را گرفته، به عنوان دولت آمریکا مناسبات خود با جمهوری اسلامی را تنظیم کرده و سیاست خود را از جایگاه دولت آمریکا و نه نماینده یا مدعی العموم مردم ایران و یا افکار عمومی جهان تنظیم کند. در آن صورت دیگر نیازی به اپوزیسیون تراشی و آلترناتیو سازی برای حکومت اسلامی هم نخواهد داشت.

آلترناتیو برای این حکومت در عمل و در جریان گذار به دمکراسی و تحول سیاسی شکل خواهد گرفت و با رشد جنبش دفاع از حق حاکمیت مردم تبلور خواهد یافت.

توجیه می کند. برای سینه چاکان بمب اتمی در تهران هم این تمرکز مفید به فایده است. در فضائی که صدای مدافعان آزادی و حقوق بشر و مخالفان سیاسی حکومت پژواکی در هیاهوی اتمی پیدا نمی کند، آن ها با خیال راحت می توانند حلقه خود را تنگ تر کرده، در فضای ضد آمریکائی متعارف، هر گونه مقاومتی در برابر خود را از صحنه به در کنند. اپوزیسیون جمهوری اسلامی و تمامی نیروهای مدافع حقوق اولیه مردم، نیازمند آنند که صورت مساله را با فعالیت خود تغییر دهند. اهمیت دارد که برای افکار عمومی جهانیان، مجامع بین المللی و حتی دولت ها و از جمله دولت آقای بوش روشن گردد که آن چه در ایران باید همواره از حضور آن احساس خطر کرد، نه انرژی اتمی و نه حتی بمب اتمی، بلکه حکومتی است که نه به رای و اراده مردم کشور اعتنائی دارد و نه اساسا حمایت این مردم را در پشت سر خود دارد و برای حفظ موجودیت خود در طول ۲۶ سال گذشته از هیچ جنایتی در حق مردم ایران فروگذار نکرده است. مخالفین سیاسی خود را گروه گروه به جوخه اعدام سپرده است. فقط در شهریور ۱۳۶۷ در عرض چند روز هزاران زندانی سیاسی را قتل عام کرده است. همه آزادی ها از آزادی انتخابات و آزادی بیان، عقیده و تشکل تا آزادی پوشش و حتی شادی در چهاردیواری خانه و محیط خصوصی آحاد مردم را سلب نموده است.

تمرکز توجه بین المللی تنها به برنامه اتمی جمهوری اسلامی، واقعیت وجودی این حکومت در زندگی روزمره مردم ایران را در سایه قرار می دهد. بیهوده نیست که نمایندگان حکومت بر سر میز مذاکره با دول اروپائی به دنبال گرفتن تضمین های لازم برای حفظ نظام خود هستند. اما نه اروپائی ها می توانند چنین تضمینی را به حکومت بدهند و نه این که اساسا خواست اروپا یا حتی حمله نظامی آمریکا است که بنیان نظام حکومتی فعلی را سست نموده است. آن چه که بیش از هر چیز، جمهوری اسلامی از دست داده است، زمینه اجتماعی ادامه این نوع حکومت در جامعه ایران است. این واقعیت دیگر اکنون سال هاست که بر خود حکومتیان هم عیان گشته است. بر بستر این واقعیت هم هست که حکومت احساس خطر می کند. حکومتی که مورد تنفر مردم خویش است طبیعی است که

